



راز چرخش برجامی روسیه



اگر احساس کنند جنگ و نبرد را می‌بازند به سرعت سطح تنش و بحران را بالا می‌برند و به هر چیزی برای پیروز شدن و شکست نخوردن متوسل می‌شوند. درست برخلاف چینی‌ها که در سیاست بین‌الملل به شدت صبور هستند. در جنگ اوکراین هم روسیه دنبال پیروزی سریع و شوک‌آور بود.

ظاهراً پوتین می‌خواست در عرض چند روز کار را تمام و اعلام پیروزی کند. روی ضعف آمریکا و اختلافات آمریکا با اروپا و اروپایی‌ها با خودشان هم حساب ویژه‌ای باز کرده بود؛

اما کارها بروفق مراد پیش نرفت. آلمان به سرعت سیاست مماشات در برابر روسیه را کنار گذاشت و اروپا متحد و یکپارچه در برابر روسیه ایستاد و با وجود خودداری از ورود نظامی رسمی به اوکراین، کمک‌های زیادی به اوکراین کرد تا در برابر تجاوز روسیه ایستادگی کند.

وقتی پوتین به هدف اولیه خود نرسید و با فشار روانی و سیاسی سنگین غرب مواجه شد و در مجمع عمومی سازمان ملل محکوم شد، رفتار روسیه به سرعت تغییر کرد. یعنی تلاش کرد از همه ابزارهای در اختیار خود به تدریج برای کسب پیروزی و به تعبیر دقیق‌تر شکست نخوردن استفاده کند. مهم‌ترین ابزارهای قدرت روسیه عبارتند از: زرادخانه هسته‌ای و انرژی. پوتین ابتدا دستور داد سطح آماده‌باش نیروهای استراتژیک بازدارنده روسیه ارتقا یابد و این پیام را به غرب فرستاد که در صورت بدتر شدن شرایط ممکن است از سلاح‌های هسته‌ای استفاده کند و پاسخی بدهد که هرگز در تاریخ مشاهده نشده است. در گام بعدی روسیه سراغ متحدان خود رفت که چین در صدر همه آنها قرار دارد.

روسیه پیش از جنگ پکن را در جریان حمله به اوکراین قرار داده بود؛ اما ظاهراً رئیس‌جمهور چین خواستار آن شده بود که جنگ بعد از پایان المپیک زمستانی پکن آغاز شود. محکوم نکردن اقدام روسیه امتیاز قابل توجهی از طرف چین به روسیه بود. امارات هم که در جبهه غرب محسوب می‌شد به همراه هند به قطعنامه شورای امنیت رای ممتنع داد و روسیه مدت اندکی پس از آن به قطعنامه تحریم تسلیحاتی انصارالله یمن که دشمن اصلی امارات در یمن به‌شمار می‌رود، رای مثبت داد. احتمالاً مسکو در زمینه فروش تسلیحات هم امتیازی به هند خواهد داد. سوریه و ونزوئلا هم از اقدام روسیه حمایت کردند.

اما درباره ایران، روسیه سنگ‌اندازی در مسیر احیای برجام را در دستور کار قرار داد که اقدامی دور از انتظار بود. مخصوصاً اینکه در چند ماه گذشته روسیه در مذاکرات احیای برجام خیلی بیشتر از دوران دولت روحانی فعال شده بود و حتی اولیانوف به نوعی سخنگوی مذاکرات احیای برجام در وین شده بود.

بی‌تردید بدتر شدن شرایط میدان نبرد در اوکراین، مسکو را به این جمع‌بندی رسانده است که باید از ابزارهای خود استفاده کند و برجام را هم یکی از این ابزارها می‌داند.

بنابراین می‌توان گفت که درخواست روسیه برای گرفتن تضمین کتبی از آمریکا در راستای اجرای برجام و اطمینان از اثرگذار نبودن تحریم‌های جدید آمریکا بر همکاری روسیه با ایران در چارچوب برجام، هم اظهار ناراحتی از رای ممتنع ایران به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل درباره حمله روسیه به اوکراین است و هم نشانه‌ای از سخت‌تر شدن شرایط برای روسیه در جنگ اوکراین.

پس از اعتراض آرام ایران به این اقدام روسیه، کرملین نه تنها عقب‌نشینی نکرد، بلکه در تفسیر نسبتاً عجیبی گفت همه طرف‌های حاضر در برجام باید دارای حقوق مساوی در اجرای آن باشند. شاید در قرائتی همدلانه بتوان این موضع‌گیری را به نفع ایران دانست؛ اما در یک نگاه بی‌طرفانه‌تر این اقدام قبل از هر چیز نوعی سنگ‌اندازی در مسیر احیای برجام ولو از سر دلسوزی روسیه برای ایران است؛ درست مثل کسی که از سر دلسوزی مانع انجام یک معامله ملکی می‌شود آن هم درحالی‌که هر دو طرف معامله به انجام آن راضی هستند.

از همان ابتدای شکل‌گیری مذاکرات توافق هسته‌ای در سال ۹۲ همه اذعان داشتند که اختلاف اصلی بین ایران و آمریکا و اروپا و چین و روسیه صرفاً کمک می‌کنند این اختلاف حل شود و تاثیر منفی بر موضوع عدم اشاعه نداشته باشد. لذا این تفسیر مسکو که همه طرف‌ها باید موقعیت برابری داشته باشند با رویه و عرف موجود در مذاکرات در تضاد آشکار بوده و ناقض اصل حسن نیت است.

گو اینکه با رویه خود روسیه در به ثمر رسیدن مذاکرات احیای برجام در چند ماه گذشته هم در تناقض است؛ یعنی روسیه پیش از جنگ اوکراین یک نوع اصولی را رعایت می‌کرد و بعد از جنگ اصول و رفتار آن عوض شده است.

اصولا قدرت‌های بزرگ مسائل بین‌المللی را از هم تفکیک می‌کنند و اصطلاحاً دست به باج‌گیری در سیاست بین‌المللی نمی‌زنند؛ زیرا اعتماد به آنها را کاهش می‌دهد. بر همین اساس تصور غالب چه در ایران و چه در غرب این بود که بحران اوکراین را نباید به احیای برجام ربط داد.

برجام ذیل عدم اشاعه و کنترل تسلیحاتی قرار می‌گیرد؛ حال آنکه اوکراین مساله معماری امنیتی اروپاست؛ اما روسیه در کمال تعجب این دو مساله متفاوت و جداگانه را به هم پیوند زده و آینده اجرای برجام را با ابهاماتی مواجه کرده است. حتماً برجام بدون روسیه قابل اجرایی شدن است؛ اما با عنایت به روابط نزدیکی که ایران و روسیه در سال‌های اخیر داشته‌اند، جمهوری اسلامی باید میان این دو دغدغه جدی توازن برقرار کند: هم برجام را احیا کند هم باعث تشدید مخالفت مسکو با احیای برجام نشود.